

بیکاری دانش آموز مساله‌ای

مجید رشیدپور

و نوجوان خطرات حیران ناپذیری در بردارد بنابراین باید با آن مبارزه برخاست.

طلاب علوم دینی که در حوزه‌های درس با عشق و علاقه‌مندی وافر بدرس خواندن میپردازند پنج روز از هفته را درس خوانده دو روز پنجشنبه و جمعه را تعطیل نموده بکارهای شخصی و دید و بازدید و در مواردی هم هر شخصی بنا بدوق واستعداد خود بدرسهائی از قبیل تفسیر و اخلاق و نهج‌البلاغه میپردازد پس طلبه علوم دینی هم تعطیل دارد ولی مفهوم تعطیلی با بیکاری و بیعاری فرق دارد و هدف نویسنده اینست که میخواهد دانش‌آموز سه مساله تابستان ول و عاطل نباشد.

نفس بیکاری اگر عمل زشت و فنیجی نباشد مستلزم بدآموزیهای فراوانی میباشد بسیاری از جوانان منحرف والوده جزء کسانی بوده اند که عمر خود را به بطالت

باتوجه به عنوان مقاله ممکن است عده‌ای چنین تصور کنند که منظم— نویسنده آنست که از پایان دوره امتحانات و آغاز تعطیلات تابستانی دوباره کودکان را بفعالیت های درسی وادار ساخته واز انلاف عمر وتضییع اوقات آنان جلوگیری بعمل آوریم در نتیجه اعتراض کنند وبگویند : مگر چقدر باید درس خواند ! مگر کودک احتیاج بااستراحت ندارد ! در پاسخ باید عرض کنیم :

هدف اصلی این مقاله واداشتن دانش— آموزان به درس خواندن نبوده و خود نویسنده هم با شما موافق بوده وبا ادامه برنامه‌های درسی رسمی در تابستان شدیدا مخالف میباشد بلکه منظور مبارزه با روحیه بیکاری و ول بودن دانش‌آموز است آنهم در دوره انقلاب گر چه این روحیه برای همه زبان آور است ولی باید توجه داشت که این بیماری برای نسل دانش‌آموز

در تابستان



گذرانده بکار و شغلی
اشتغال نداشته اند و
همین بیکاری بتدریج آنان
را در دام افراد منحرف و
آلوده قرار داده آنها را
به فساد و تباهی نشانده
است .

اصولا کودکان و نوجوانان
سرشار از نیرو و انرژی
هستند وقتی بطور صحیح
و اساسی از این نیروها
بهره برداری بعمل نیاید
لامحاله خود کودک برای
مصرف کردن آن همه
قدرت راههایی را انتخاب
خواهد کرد و چون قدرت
انتخاب و تمیزش تکامل
نیافته ممکن است راه و
روشی را انتخاب کند

که از نظر فردی و اجتماعی نارسائی ها و عیوبی را دارا باشد از این گذشته نفس بیکاری رنج آور است و شخص بیکار خواه کودک یا بزرگسال از اینکه عاطل و باطل است ناراحت شده معناوین گوناگونی عکس العمل نشان داده مزاحمت هائی فراهم خواهد آورد .

برعکس نفس کار بهر شکل و فرمی که باشد لذت آور است آدمی پس از انجام کار بدون در نظر گرفتن تشکر و امتنان از دیگران خود شخص احساس فرح و انبساطی مینماید خواه این کار کردن بصورت نوشتن مقاله یا بیل زدن یا آنچه باشد .

تولستوی نویسنده شهیر روسی در یکی از کتابهای خود چنین مینویسد : پس از گذراندن عمری متوجه شدم که به رمز زندگی دست نیافته ام گمان کردم شاید رمز حیات در کسب شهرت و مقام و پول و موقعیت های اجتماعی است با تلاش فراوان خود را بآنها رساندم متاسفانه باز بر رمز زندگی دست نیافتم و این معما برایم همچنان لاینحل ماند تا آنکه روزی در خانه بشکستن هیزم پرداختم پس از پایان کار آنچه را که دنبالش میدویدم در خود یافتم آری پس از کار و تلاش احساس کردم که از زندگی لذت میبرم .

قرآن هزارو چهارصد سال قبل —

مسلمانان این درس را داده که رمز زندگی در پرتو تلاش و کوشش بدست میآید خواه این تلاش بدنی باشد یا فکری .

خداوند میفرماید : " ان مع العسر یسری — ان مع العسر یسری " یعنی راحتی و آسایش در پرتو رنج و تلاش است در لغت عسر بمعنای دشواری و سختی آمده ولی بدیهی است که همین دشواری و سختی است که نیروهای سرشار آدمی را بسیج کرده استعدادها را از قوه بفعل در میآورد .

اسلام دین تحرک و سازندگی است از هر نوع جمود و سکونی برکنار است خداوند میفرماید : " ومن اراد الآخرة وسعی لها سعیها " هرکه آخرت را بخواهد باید با تمام وجود کوشش و تلاش کند تا بدان برسد .

شخص بیکار و بیحال اصولا مورد خشم و غضب پروردگار است .

امام موسی کاظم علیه السلام میفرماید : " ان اله لیبغض العبد الفارغ " یعنی خداوند بنده بیکار را دشمن میدارد .

علی علیه السلام درباره بیکاری میفرماید : " ایاکم والکسل بانه من کسل لم یود حق اله عزوجل " از ول و باطل بودن دوری جوئید چه کسی که سست و بیحال است حق خدایرا انجام نخواهد داد .



امروزه به برکت انقلاب اسلامی دگرگونی عمیقی در روحیه همه افراد ملت بخصوص کودکان ونوجوانان بوجود آمده است خلاف گذشته که همه نیروهای سرشارشان هرز میرفت اکنون برای کمک بانقلاب و سازندگی اجتماعی بسیج شده است .

بعقیده ما فقط سازماندهی و طراحی لازم است که از این همه نیرو بهره برداری شود امروزه جهاد سازندگی و بسیج و تعلیمات نظامی و جهاد سواد آموزی سه ارگان وسیعی هستند که میتوانند بسیاری از نیروهای کودکان ونوجوانان ما را جذب نمایند .

درخاتمه بطور کلی به بخشهایی از فعالیت ارزنده اشاره مینمائیم تا در پرتو درایت پدران ومادران وبا همکاری معلمان مربیان نیروهای اصیل جوانان کشور در آن مسیرها بمصرف رسیده در شکوفائی کشور سهم بسزائی داشته باشند .

۱- شرکت فعال در امر سواد آموزی .
۲- شرکت در بسیج همگانی و گذراندن دوره تعلیمات نظامی .

۳- شرکت در جهاد سازندگی خواه در سطح شهر یا روستاها .

۴- هماهنگی جوانان هر منطقه و خیابان در تشکیل کتابخانههای سیار ومعرفی کتابهای مفیدو سودمند .

۵- شرکت در کلاسهای کمکهای اولیه درمانی .

۶- تشکیل کلاسهای آموزش قرآن وتفسیر و اخلاق و ایدئولوژی .

۷- شرکت در فعالیتهای فالیبافی ، خیاطی نقاشی ، ماشین نویسی .

۸- تشکیل شرکتهای تعاونی با همکاری جوانان .

۹- تشکیل گروه بهداشت و پاکسازی و مراقبت در نظافت عمومی شهر و روستاها .

۱۰- شرکت نوجوانان در کارخانه ها وموسسات صنعتی و آشنائی آنان با امور تکنیک

